

## خمینه‌های فینسلر با انحنا استرچ

نسرین صادق‌زاده\*، اکبر طیبی؛ دانشگاه قم

دریافت ۹۵/۱۲/۱۰ پذیرش ۹۶/۰۶/۲۷

### چکیده

در این مقاله متریک‌های فینسلر با انحنا استرچ به‌طور نسبی نامنفی (به‌ترتیب نامثبت)، ایزوتروپیک و ثابت بررسی می‌شود. به‌طور خاص، نشان داده می‌شود که هر خمینه فینسلری فشرده با انحنا استرچ به‌طور نسبی نامنفی (به‌ترتیب نامثبت)، یک متریک لندزبرگ است. همچنین ثابت می‌شود که هر  $(\alpha, \beta)$ -متریک غیرریمانی با انحنا پرچمی ثابت نا صفر و انحنا استرچ به‌طور نسبی ایزوتروپیک ناصفر بر روی یک خمینه از بعد  $n \geq 3$ ، از مشخصه اسکالر ثابت روی ژئودزیک‌های فینسلری است. خمینه‌های فینسلری با انحنا استرچ نسبی دو بعدی نیز بررسی می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** انحنا استرچ، انحنا استرچ نسبی، انحنا پرچمی،  $(\alpha, \beta)$ -متریک، متریک راندرز

### مقدمه

در هندسه فینسلری کمیت‌های غیرریمانی بسیاری وجود دارند. از جمله می‌توان به تاب کارتان  $C^1$ ، انحنا بروالد  $B$ ، انحنا لندزبرگ  $L^3$ ، انحنا میانگین لندزبرگ  $J^4$ ، انحنا استرچ  $\sum^5$  و ... اشاره کرد. بررسی این کمیت‌های غیرریمانی که همگی در هندسه ریمانی برابر صفر هستند، ما را با طبیعت هندسه فینسلری آشنا می‌کند.

یک متریک فینسلر  $F$  روی خمینه هموار  $M$ ، یک متریک بروالد گفته می‌شود اگر انحنا بروالد آن برابر صفر باشد. یا به‌عبارتی، ضرایب  $G^i$  از اسپری تعریف شده روی  $M$ ، یعنی

$$G(x, y) = y^i \frac{\partial}{\partial x^i} - 2G^i \frac{\partial}{\partial y^i},$$

مربعی باشند. یعنی توابع اسکالر  $\Gamma^i_{jk}(x)$  موجودند به‌طوری که  $\frac{\partial^2 G^i}{\partial y^i \partial y^j} = \Gamma^i_{jk}(x)$  خانواده دیگری از متریک‌های فینسلری که شامل خانواده متریک‌های بروالد می‌شوند، متریک‌های لندزبرگ هستند. این خانواده، متریک‌های فینسلری با تانسور انحنا لندزبرگ برابر صفر هستند. تانسور لندزبرگ  $L_y$  برای هر  $y \in T_x M_0$  برابر با آهنگ تغییرات تانسور کارتان در طول ژئودزیک‌ها است. با فرض این که  $\{e_i\}$  یک پایه متعامد یکه فضای  $(T_x M, g_y)$  باشد آن‌گاه  $J_y := \sum_{i=1}^n L_y(e_i, e_i, \cdot)$  انحنا میانگین لندزبرگ گفته می‌شود. متریک فینسلر  $F$  لندزبرگ ضعیف گفته می‌شود اگر  $J = 0$  [10].

بروالد مفهوم انحنا استرچ را به‌عنوان تعمیمی از انحنا لندزبرگ ارائه داد [3]. او نشان داد که انحنا استرچ  $\sum$

برابر صفر است اگر و تنها اگر طول یک بردار تحت انتقال موازی روی یک متوازی الاضلاع بی‌نهایت کوچک ثابت باقی بماند. سپس این انحنا را ماتسوموتو به صورت  $\sum_{ijkl} = 2(L_{ijk|l} - L_{ijl|k})$  معرفی کرد [6]. به‌وضوح هر متریک لندزبرگ دارای انحنا استرچ صفر است. هم‌چنین هر متریک با انحنا استرچ صفر یک متریک با انحنا استرچ به‌طور نسبی ایزوتروپیک، نامثبت یا نامنفی هست ولی لزوماً عکس آن‌ها برقرار نیست. از این رو، بررسی شرایطی که عکس این قضایا برقرار باشد قابل توجه به‌نظر می‌رسد. در این مقاله قصد داریم متریک‌های فینسلر با انحنا استرچ نسبی (به‌طور نسبی نامنفی یا نامثبت، و یا ثابت) را بررسی کنیم و قضایایی را که در ادامه می‌آید ثابت کنیم.

**قضیه ۱.** هر خمینه فینسلری فشرده با انحنا استرچ به‌طور نسبی نامنفی (به‌ترتیب نامثبت)، لندزبرگی است. هم‌چنین هر خمینه فینسلری کامل با انحنا استرچ به‌طور نسبی ثابت و انحنا لندزبرگ کراندار، لندزبرگی است.

**قضیه ۲.** هر  $(\alpha, \beta)$ -متریک غیرریمانی با انحنا پرچمی ثابت ناصفر و انحنا استرچ نسبی ناصفر بر روی یک خمینه از بعد  $n \geq 3$ ، از مشخصه اسکالر ثابت روی ژئودزیک‌های فینسلری است.

**قضیه ۳.** فرض کنیم  $F$  یک متریک ۲-بعدی با انحنا ایزوتروپیک استرچ نسبی  $C$  باشد. آن‌گاه  $F$  ریمانی است اگر و تنها اگر اسکالر اصلی آن در این رابطه صدق کند:

$$2\mu' + 2\mu^2 F - c\mu F \neq 0,$$

که در آن  $I$  اسکالر اصلی  $F$ ،  $\mu := I^{-1}I|_1$  و  $\mu' = \mu|_S \gamma^S$  مشتق کواریانت  $\mu$  در طول یک ژئودزی دلخواه است. فرض شود  $M$  یک خمینه  $n$ -بعدی  $C^\infty$ ،  $T_x M$  نمایش فضای مماس بر  $M$  در نقطه  $x \in M$ ،  $TM = \cup_{x \in M} T_x M$  کلاف مماس بر خمینه  $M$  و  $TM_0 = TM \setminus \{0\}$  کلاف مماس سفته باشد. یک متریک فینسلر روی  $M$  یک تابع  $F: TM \rightarrow [0, +\infty)$  است که این خواص را دارد:

۱.  $F$  روی  $TM_0$  نگاشتی  $C^\infty$  است.

۲.  $F$  روی تارهای کلاف مماس  $TM$ ، همگن مثبت از درجه ۱ است.

۳. برای هر  $y \in T_x M$ ، صورت  $g_y$  که به‌صورت زیر تعریف می‌شود، مثبت معین است:

$$g_y(u, v) = \frac{1}{2} \frac{d^2}{dt^2} [F^2(y + su + tv)]_{s,t=0}, \quad u, v \in T_x M.$$

برای  $x \in M$  قرار دهید  $F_x := F|_{T_x M}$ . برای اندازه‌گیری ناقلیدسی بودن  $F_x$  تانسور کارتانه  $C_y: T_x M \otimes T_x M \rightarrow R$  بدین‌صورت تعریف می‌شود:

$$C_y(u, v, w) = \frac{1}{2} \frac{d}{dt} [g_{y+tw}(u, v)]_{t=0}, \quad u, v, w \in T_x M.$$

خانواده  $C := \{C_y\}_{y \in TM_0}$  تاب کارتانه نامیده می‌شود.  $F$  یک متریک ریمانی است اگر و تنها اگر  $C = 0$ . برای بردار  $y \in T_x M$ ، تاب میانگین کارتانه  $I_y: T_x M \rightarrow R$  را به‌صورت  $I_y = I_i(y) dx^i$  تعریف می‌کنند که در آن  $I_i := g^{ij} C_{ijk}$  و  $g^{ij} = (g_{ij})^{-1}$ .

فرض می‌شود  $(M, F)$  یک خمینه فینسلری از بعد  $n \geq 3$  باشد. آن‌گاه  $F$  را یک متریک شبه- $C$ -تحلیلی گوئیم که تانسور کارتانه آن بدین‌صورت باشد:

$$C_{ilm} = \frac{p}{(n+1)} (I_l h_{jm} + I_j h_{lm} + I_m h_{jl}) + \frac{q}{\|I\|^2} I_l I_j I_m,$$

که در آن  $p := p(x, y)$  و  $q = q(x, y)$  توابعی اسکالر روی  $TM$  با شرط  $p + q = 1$  بوده،  $\|I\|^2 := I_k I^k$  و نیز  $h_{ij} := g_{ij} - F^{-2} y_i y_j$  متریک زاویه‌ای است [8].

کمیت  $p$  را اسکالر مشخصه متریک  $F$  می‌نامیم. اگر که  $p = 1$  آن‌گاه  $F$  را C-تخلیلی گوئیم.

قضیه ۴. [8] هر  $(\alpha, \beta)$ -متریک غیرریمانی بر روی یک خمینه از بعد  $n \geq 3$ ، یک متریک شبه-C-تخلیلی است. اولین کسی که مفهوم الصاق را برای متریک‌های فینسلر معرفی کرد بروالد بود [3]. بعد از کارهای ارزشمند وی، چندین الصاق با روش‌های مختلف معرفی شدند که معروف‌ترین آن‌ها الصاق‌های چرن، کارتان و بروالد هستند. برای بررسی بیشتر در این زمینه می‌توان به [10] مراجعه کرد.

قضایای زیر در روند محاسبات این مقاله دارای کاربرد هستند.

قضیه ۵. [5] فرض کنیم  $M$  یک خمینه جهت‌پذیر با صورت حجمی  $\omega$  و  $\nabla$  التصاقی تاب آزاد باشد که در آن  $\nabla \omega = 0$ . آن‌گاه برای هر میدان برداری  $X$  روی  $M$ ،  $Y \in T_x M$  که  $x \in M$  داریم،  
 $(\operatorname{div} X)_x = -\operatorname{trace}(Y \rightarrow \nabla_Y X) = \nabla_i X^i$ .

قضیه ۶. [5] فرض کنیم  $M$  یک خمینه فشرده، جهت‌پذیر و با یک عنصر حجم  $\omega$  باشد. در این صورت برای هر میدان برداری  $X$  روی  $M$  داریم،

$$\int_M (\operatorname{div} X) \omega = 0.$$

قضیه مذکور برای خمینه‌های نافشرده برقرار نیست اما برای میدان برداری  $X$  با محمل فشرده برقرار است.

فرض کنیم  $(M, F)$  یک خمینه فینسلری  $n$ -بعدی باشد. هم‌چنین فرض کنید  $\nabla$  الصاق بروالد و  $\{e_i\}_{i=1}^n$  یک میدان پایه‌ای متعامد یکه (نسبت به  $g$ ) برای کلاف برگشت  $\pi^* TM$  باشد به طوری که  $e_n = l$  و  $l$  برش کانونی  $l = y/F$  است.  $\{\omega^i\}_{i=1}^n$  را میدان‌های پایه‌ای دوگان در نظر می‌گیریم و قرار می‌دهیم،

$$\nabla e_i = \omega_i^j \otimes e_j,$$

که در آن  $\{\omega_i^j\}$  صورت‌های الصاق  $\nabla$  نسبت به  $\{e_i\}_{i=1}^n$  هستند. به راحتی می‌توان دید که  $\{\omega^i, \omega^{n+i}\}$  یک پایه موضعی برای  $T^*(TM_0)$  هست که در آن

$$\omega^{n+i} = \omega_n^i + d(\log F) \delta_n^i.$$

۲. صورت  $\{\Omega_i^j\}$  روی  $TM_0$  بدین صورت بیان می‌شود:

$$\Omega_i^j = \frac{1}{2} R_{jkl}^i \omega^k \wedge \omega^l + B_{jkl}^i \omega^k \wedge \omega^{n+l}.$$

فرض کنیم که  $\{\bar{e}_i, \dot{e}_i\}_{i=1}^n$  یک پایه موضعی برای  $T(TM_0)$ ، دوگان پایه  $\{\omega^i, \omega^{n+i}\}$  برای  $T^*(TM_0)$  باشد.  $R$  و  $B$  تعریف شده در بالا را به ترتیب  $hh$ -انحنا و  $hv$ -انحنا نامند [10].

با استفاده از الصاق بروالد می‌توان مشتقات کواریانت توابع روی  $TM_0$  را تعریف کرد. برای مثال، اگر  $f$  یک تابع اسکالر باشد آن‌گاه  $f_{|i}$  و  $f_{.i}$  بدین صورت تعریف می‌شود:

$$df = f_{|i} \omega^i + f_{.i} \omega^{n+i},$$

که در آن  $"|"$  و  $"."$  به ترتیب نماد  $h$ -مشتق کواریان (مشتق افقی) و  $v$ -مشتق کواریان (مشتق عمودی) نسبت به

الصاق بروالد  $F$  هستند.

لم ۱. [10] اتحادهای بیانکی زیر برای الصاق بروالد برقرار است:

$$R_{jkl.m}^i = B_{jml|k}^i - B_{jmk|l}^i,$$

$$B_{jkl.m}^i = B_{jkm.l}^i.$$

مشق افقی تاب کارتان در امتداد ژئودزیک‌ها، انحنای لندزبرگ را بدین صورت تعریف می‌کند:

$$L_y: T_x M \otimes T_x M \otimes T_x M \rightarrow R$$

$$L_y(u, v, w) = L_{ijk}(y)u^i v^j w^k,$$

که در آن  $L_{ijk} = C_{ijk|s} y^s$ ،  $u = u^i \frac{\partial}{\partial x^i} |_x$ ،  $v = v^i \frac{\partial}{\partial x^i} |_x$  و نیز  $w = w^i \frac{\partial}{\partial x^i} |_x$  خانواده  $L := \{L_y\}_{y \in TM_0}$

انحنای لندزبرگ نامیده می‌شود. یک متریک فینسلر لندزبرگ گفته می‌شود اگر  $L = 0$

با استفاده از خاصیت‌های ۲-صورت انحنای الصاق بروالد، روابط زیر به راحتی نشان داده می‌شوند [10]:

$$g_{ij|k} = -2L_{ijk}, \quad g_{ij.k} = 2C_{ijk}.$$

هم‌چنین می‌توان نتیجه گرفت،

$$L_{ijk} = -\frac{1}{2} y^s g_{sm} B_{ijk}^m.$$

بعد از معرفی مفهوم انحنای استرچ به‌منزلهٔ تعمیمی از انحنای لندزبرگ به‌وسیلهٔ بروالد، ماتسوموتو صورتول آن را

بدین صورت معرفی کرد:

$$\Sigma_y: T_x M \otimes T_x M \otimes T_x M \otimes T_x M \rightarrow R$$

$$\Sigma_y(u, v, w, z) = \Sigma_{ijkl}(y)u^i v^j w^k z^l,$$

که در آن  $\Sigma_{ijkl} = 2(L_{ijk|l} - L_{ijl|k})$ . یک متریک فینسلر یک متریک استرچ گفته می‌شود اگر  $\Sigma = 0$ . متریک

فینسلر  $F$  روی خمینه  $M$  از انحنای استرچ نسبی (با نسبت  $C$ ) گفته می‌شود اگر

$$\Sigma_{ijkl} = cF(C_{ijk|l} - C_{ijl|k}),$$

که در آن  $c = c(x, y)$  است. انحنای استرچ  $F$  به‌طور نسبی نامنفی (به‌ترتیب نامثبت) گفته می‌شود اگر که

$c = c(x, y)$  تابعی نامثبت (به‌ترتیب نامنفی) باشد. انحنای استرچ متریک فینسلر  $F$  روی خمینهٔ  $M$  به‌طور نسبی

ایزوتروپیک گفته می‌شود اگر  $c = c(x)$  یک تابع اسکالر روی  $M$  باشد. از انحنای استرچ به‌طور نسبی ثابت گفته

می‌شود اگر  $c$  یک عدد حقیقی ثابت باشد.

مثال ۱. متریک  $F$ ،  $R$ -مربعی نامیده می‌شود اگر که  $R_{jkl.m}^i = 0$ . اگر اتحاد دوم از لم ۱ را در  $y_i$  ضرب کنیم، به این

رابطه می‌رسیم:

$$\Sigma_{jmkl} = y_i R_{jkl.m}^i$$

در نتیجه هر متریک فینسلر  $R$ -مربعی یک متریک با انحنای استرچ صفر است.

مثال ۲. قرار می‌دهیم:

$$F_a(x, y) := \frac{\sqrt{|y|^2 - (|x|^2|y|^2 - \langle x, y \rangle^2)}}{1 - |x|^2} + \frac{\langle x, y \rangle}{1 - |x|^2}$$

$$+ \frac{\langle a, y \rangle}{1 - |x|^2}, \quad y \in T_x B^n \simeq R^n,$$

که در آن  $a \in R$  یک بردار ثابت است که  $|a| < 1$ . برای  $a \neq 0$ ، بهسادگی می‌توان دید که  $F_a$  به‌طور موضعی مسطح با انحنا پرچمی ثابت منفی است.  $F$  یک متریک استرچ به‌طور نسبی ثابت با  $c = -1$  است.

با مشتق‌گیری کواریان افقی از تانسور تاب میانگین کارتان  $I$  در امتداد ژئودزیک‌ها تانسور میانگین لندزبرگ  $J_y(u) = J_i(y)u^i$ ، به‌دست می‌آید، که در آن  $J_i := I_{i|s}y^s$  می‌توان انحنا میانگین لندزبرگ را از رابطه  $J_i := g^{kl}L_{ikl}$  نیز به‌دست آورد. یک متریک فینسلر لندزبرگ ضعیف گفته می‌شود اگر  $J = 0$ .

برای هر متریک فینسلر  $(M, F)$ ، یک میدان برداری سرتاسری  $G$  روی  $TM_0$  به‌وسیله  $F$  تولید می‌شود که در مختصات موضعی  $(x^i, y^i)$  برای  $TM_0$  بدین‌صورت می‌تواند بیان شود و آن را اسپری حاصل از متریک  $F$  نامیم:

$$G(y) = y^i \frac{\partial}{\partial x^i} - 2G^i(x, y) \frac{\partial}{\partial y^i},$$

که در آن  $G^i$ ها توابعی موضعی روی  $TM_0$  هستند که بدین‌صورت نمایش داده می‌شوند:

$$G^i(x, y) := \frac{1}{4} g^{il} \left\{ \frac{\partial^2 F^2}{\partial x^k \partial y^l} y^k - \frac{\partial F^2}{\partial x^l} \right\}.$$

برای بردار مماس  $y \in TM_0$

$$B_y: T_x M \otimes T_x M \otimes T_x M \rightarrow T_x M,$$

$$B_y(u, v, w) = B^i_{jkl}(y) u^j v^k w^l \frac{\partial}{\partial x^i} \Big|_x,$$

9

$$E_y: T_x M \otimes T_x M \rightarrow R,$$

$$E_y(u, v) = E_{jk}(y) u^j v^k,$$

به‌ترتیب انحنا بروالد و انحنا میانگین بروالد نامیده می‌شوند که در آن

$$B^i_{jkl}(y) := \frac{\partial^3 G^i}{\partial y^j \partial y^k \partial y^l}(y), \quad E_{jk}(y) := \frac{1}{2} B^m_{jkm}(y).$$

$F$  به‌ترتیب بروالد و بروالد ضعیف نامیده می‌شود اگر  $B = 0$  و  $E = 0$ .

انحنا ریمان  $R_y = R^i_k(y) dx^k \otimes \frac{\partial}{\partial x^i}: T_x M \rightarrow T_x M$  یک خانواده از نگاشت‌های خطی روی فضای مماس است که بدین‌صورت تعریف می‌شود:

$$R^i_k = 2 \frac{\partial G^i}{\partial x^k} - y^j \frac{\partial^2 G^i}{\partial x^j \partial y^k} + 2G^j \frac{\partial^2 G^i}{\partial y^j \partial y^k} - \frac{\partial G^i}{\partial x^j} \frac{\partial G^j}{\partial x^k}.$$

هم‌چنین برای انحنا ریمان، این رابطه برقرار است [10]:

$$R^i_{jkl} = \frac{1}{3} (R^i_{kl} - R^i_{lk})_{,j}. \quad (1)$$

انحنا پرچمی در هندسه فینسلری یک توسیع از انحنا برشی در هندسه ریمانی است که اولین بار بروالد معرفی کرد [3].

برای یک پرچم  $P = \text{span}\{y, u\} \subset T_x M$  با میله پرچم  $y$ ، انحنا پرچمی بدین‌صورت تعریف می‌شود:

$$K(P, y) := \frac{g_y(u, R_y(u))}{g_y(y, y) g_y(u, u) - g_y(u, y)^2}.$$

متریک فینسلر  $F$  از انحنای اسکالر گفته می‌شود اگر برای هر  $y \in T_x M$ ، انحنای پرچمی  $K = K(x, y)$  یک تابع اسکالر روی برش کلاف مماس  $TM_0$  باشد. اگر  $K$  ثابت باشد آن‌گاه  $F$  متریک با انحنای ثابت نامیده می‌شود.

### انحنای استرچ متریک‌های فینسلری

در این بخش به اثبات قضایای اصلی و برخی نتایج آن‌ها می‌پردازیم.

**اثبات قضیه ۱.** فرض کنید  $p$  یک نقطه روی خمینه  $M$ ،  $y, u, v, w \in T_p M$  و  $\sigma: (-\infty, +\infty) \rightarrow M$  ژئودزیک گذرنده از نقطه  $p$  با سرعت واحد باشد به طوری که باشد:

$$\frac{d\sigma}{dt}(0) = y.$$

$U(t)$ ،  $V(t)$  و  $W(t)$  را میدان‌های برداری موازی در طول  $\sigma$  در نظر می‌گیریم به طوری که  $U(0) = u$ ،  $V(0) = v$  و  $W(0) = w$  آن‌گاه قرار می‌دهیم:

$$L(t) = L_{\sigma}(U(t), V(t), W(t)),$$

$$L'(t) = L'_{\sigma}(U(t), V(t), W(t)).$$

اما خمینه فینسلری  $(M, F)$  دارای انحنای استرچ به طور نسبی نامنفی (به ترتیب نامثبت) یا ثابت است. با توجه به تعریف و ضرب تانسور استرچ در  $y^l$  به آسانی نتیجه می‌شود:

$$L_{ijk|l} y^l = c F L_{ijk},$$

که در آن  $c := c(x, y)$  تابع نامنفی (به ترتیب نامثبت) همگن روی  $TM_0$  است یا  $c$  یک ثابت است.

ابتدا فرض کنید  $c := c(x, y)$  تابع نامنفی (به ترتیب نامثبت) روی  $TM_0$  است. با قرار دادن  $\varphi(x, y) := L^{ijk} L_{ijk}$  داریم،

$$\begin{aligned} \dot{\varphi} &= \varphi_{|m} y^m = 2g^{ir} g^{js} g^{kt} L_{rst} L_{ijk|m} y^m \\ &= 2L^{ijk} L_{ijk|m} y^m = 2cF\varphi. \end{aligned} \quad (2)$$

با توجه به این که  $F$  و  $\varphi$  دارای مقادیری مثبت‌اند اگر  $c$  نامنفی (به ترتیب نامثبت) باشد آن‌گاه  $\dot{\varphi}$  نامنفی (به ترتیب نامثبت) خواهد بود.

با توجه به قضیه ۵ داریم،

$$\dot{\varphi}(y) = \varphi_{|m} y^m = \xi(\varphi) = \overline{div}(\varphi\xi).$$

دقت شود که  $\xi = y^i \frac{\delta}{\delta x^i}$  یک میدان برداری ژئودزیک روی کلاف یک  $SM$  است و  $\overline{div}(\xi) = 0$  [13].

چون  $M$  فشرده است پس  $SM$  نیز فشرده است. هم‌چنین صورت حجمی  $\omega_{SM}$  روی کلاف کروی  $SM$  از صورتی حجمی  $\omega$  روی  $M$  حاصل شده است [1].

با توجه به قضیه ۶ داریم:

$$\int_{SM} \dot{\varphi} \omega_{SM} = 0.$$

با توجه به این که  $\dot{\varphi}$  تابعی همگن و علامت آن همیشه نامنفی (به ترتیب نامثبت) است پس  $\dot{\varphi} = 0$  که با توجه به (۲)، نتیجه می شود که  $\varphi = 0$  یا  $c = 0$ . اگر  $\varphi = 0$  آن گاه  $L_{ijk} = 0$ . اگر  $c = 0$  آن گاه  $\sum_{ijkl} = 0$  و در نتیجه  $L'(t) = L_{ijk|l} y^l = 0$  یعنی  $L(t) = L(0)$ ، از این رو، تاب کارتانه برابر است با:

$$C(t) = t L(0) + C(0)$$

که اگر  $t \rightarrow \pm\infty$  آن گاه تابعی کراندار نخواهد شد و این با فشردگی  $M$  (در نتیجه کراندارى تاب کارتانه) در تناقض است. در نتیجه  $L(0) = 0$  و چون خمینه های فشرده همواره کامل هستند، از این رو،  $L(t) = 0$ ، یعنی متریک  $F$  یک متریک لندسبرگى است. به این ترتیب قسمت اول قضیه اثبات می شود. حال اگر  $C$  تابعی ثابت باشد آن گاه دوباره با ضرب تانسور استرچ در  $y^l$  به رابطه  $L_{ijk|m} y^m = c F L_{ijk}$  می رسیم. جواب عمومی این معادله بدین صورت است:

$$L(t) = e^{ct} L(0),$$

با میل دادن  $t$  به سمت  $+\infty$  یا  $-\infty$  در جواب فوق، عدم کراندارى انحناى لندزبرگ به دست می آید، که این موضوع با فرض قضیه در تناقض است. بنا براین

$$L(t) = L(0) = 0$$

به این ترتیب قسمت دوم قضیه ۱ نیز به اثبات می رسد.

**اثبات قضیه ۲.** فرض کنیم  $F$  متریک استرچ با انحناى ثابت ناصفر  $\lambda$  روی خمینه  $M$  باشد. بنا براین داریم،

$$R_k^i = \lambda \{ F^2 \delta_k^i - y^i y_k \}.$$

در نتیجه،

$$R_{jkl}^i = \lambda \{ g_{jl} \delta_k^i - g_{jk} \delta_l^i \}. \quad (3)$$

با توجه به رابطه (۳) و اتحاد دوم از لم ۱ داریم،

$$\sum_{jmk} R_{jkl}^i = y_i R_{jkl}^i = 2\lambda \{ C_{jlm} y_k - C_{jkm} y_l \}. \quad (4)$$

اما  $F$  دارای انحناى استرچ نسبی است یعنی،

$$\sum_{jmk} R_{jkl}^i = 2(L_{jmk|l} - L_{jml|k}) = cF(C_{jmk|l} - C_{jml|k}). \quad (5)$$

از این رو،

$$2\lambda \{ C_{jlm} y_k - C_{jkm} y_l \} = cF(C_{jmk|l} - C_{jml|k}).$$

با ضرب عبارت مذکور در  $y^l$  داریم،

$$L_{jmk} + 2\frac{\lambda}{c} F C_{jmk} = 0. \quad (6)$$

با ضرب (۶) در  $g^{jm}$  داریم،

$$J_k + 2\frac{\lambda}{c} F I_k = 0. \quad (7)$$

از طرفی دیگر،  $F$  یک  $(\alpha, \beta)$ -متریک غیریمانی با بعد  $n \geq 3$  است، یعنی، تانسور کارتانه آن بدین صورت نوشته

می‌شود:

$$C_{ljm} = \frac{p}{(n+1)} (I_l h_{jm} + I_j h_{lm} + I_m h_{jl}) + \frac{q}{\|I\|^2} I_l I_j I_m, \quad (8)$$

به طوری که رابطه  $p + q = 1$  برقرار است. حال با مشتق‌گیری افقی  $|_s$  از رابطه (۸) و ضرب آن در  $\gamma^s$  داریم،

$$C_{jmk|0} = L_{jmk} = \frac{p}{n+1} S_{jmk} + \frac{p'}{n+1} X_{jmk} + \frac{1}{\|I\|^2} \left( q' - \frac{2q}{\|I\|^2} I^r J_r \right) I_j I_m I_k + \frac{q}{\|I\|^2} T_{jmk}, \quad (9)$$

که در آن

$$S_{jmk} = J_j h_{mk} + J_m h_{jk} + J_k h_{jm},$$

$$X_{jmk} = I_j h_{mk} + I_m h_{jk} + I_k h_{jm},$$

$$T_{jmk} := J_j I_m I_k + J_m I_j I_k + J_k I_m I_j.$$

با جای‌گذاری (۷) در (۹) و نیز استفاده از روابط (۶) و (۸) داریم:

$$\frac{p'}{n+1} X_{jmk} + \frac{1}{\|I\|^2} q' I_j I_m I_k = 0.$$

با ضرب عبارت فوق در  $I^j I^m$  و با استفاده از (۷) داریم،

$$3 \|I\|^2 p' I_k + (n+1) q' I_k = 0. \quad (10)$$

با توجه غیرریمانی بودن  $F$ ، نتیجه می‌گیریم که

$$3 \|I\|^2 p' + (n+1) q' = 0. \quad (11)$$

چون  $p + q = 1$  از این رو، داریم  $p' + q' = 0$ . با قرار دادن آن در (۱۱) داریم  $p' = 0$ . یعنی اسکالر مشخصه متریک  $F$  بر روی ژنودزی‌های فینسلری همواره مقداری ثابت است.

**نتیجه.** هر متریک فینسلری ( $n \geq 3$ ) با انحنای پرچمی ثابت غیرصفر  $\lambda$  و انحنای استرچ نسبی ناصفر (با نسبت  $C$ )

ریمانی است اگر و تنها اگر رابطه  $2c c' + c^2 F + 4\lambda F \neq 0$  برقرار باشد، که در آن  $c' := c_{|m} y^m$ .

**اثبات.** با ضرب رابطه (۵) در  $\gamma^l$  داریم،

$$L'_{jmk} = \frac{c}{2} F L_{jmk}. \quad (12)$$

که در آن  $L'_{jmk} := L_{jmk|s} \gamma^s$  با جای‌گذاری (۶) در (۱۲) داریم:

$$L'_{jmk} = -\lambda F^2 C_{jmk}. \quad (13)$$

هم‌چنین با مشتق‌گیری از رابطه (۶) داریم،

$$L'_{jmk} = \frac{2\lambda F}{c} (c' C_{jmk} - L_{jmk}) = \frac{2\lambda F}{c} \left( c' + \frac{2\lambda F}{c} \right) C_{jmk} \quad (14)$$

با مقایسه (۱۳) و (۱۴)، به راحتی حکم نتیجه می‌شود

**اثبات قضیه ۳.** برای اثبات این قضیه از قاب بروالد استفاده می‌کنیم. قاب بروالد به‌عنوان یک ابزار اساسی برای بررسی

خمینه‌های فینسلری ۲-بعدی است که بروالد معرفی کرده است [4].

برای یک خمینه فینسلری ۲-بعدی  $(M, F)$ ، یک میدان موضعی از قاب عمود برهم  $(\ell^i, m^i)$  را قاب بروالد گفته



می‌شود که در آن  $\ell^i = y^i/F$  و  $m^i$  بردار واحد با شرط  $\ell_i m^i = 0$  و  $\ell_i = g_{ij}\ell^j$  است. با در نظر گرفتن قاب بروالد داریم،

$$C_{ijk} = F^{-1}I m_i m_j m_k, \\ B^i_{jkl} = -\frac{2I_1}{I} C_{jkl}\ell^i + \frac{I_2}{3F} \{h_{jk}h_l^i + h_{jl}h_k^i + h_{lk}h_j^i\}, \quad (15)$$

که در آن  $I$  یک تابع همگن از درجه صفر است که اسکالر اصلی متریک  $F$  نامیده می‌شود. با ضرب (۱۵) در  $y_i$  خواهیم داشت،

$$L_{jkl} = \mu F C_{jkl}, \quad (16)$$

که در آن  $\mu = \frac{I_1}{I}$ . از این رو، با مشتق‌گیری افقی از (۱۶) خواهیم داشت:

$$L_{jkl|s} = \mu_{|s} F C_{jkl} + \mu F C_{jkl|s}. \quad (17)$$

بنابر رابطه (۱۷)، تانسور استرچ به صورت (۱۸) بیان می‌شود:

$$\Sigma_{ijkl} = 2\mu F (C_{ijk|l} - C_{ijl|k}) + 2F (\mu_{|l} C_{ijk} - \mu_{|k} C_{ijl}). \quad (18)$$

بنا بر فرض  $F$  از انحنای استرچ نسبی ثابت است،

$$\Sigma_{ijkl} = cF (C_{ijk|l} - C_{ijl|k}), \quad (19)$$

که در آن  $c$  یک تابع اسکالر روی  $TM$  است. با ضرب (۱۸) و (۱۹) در  $y^l$  و مقایسه روابط به دست آمده، به رابطه (۲۰) می‌رسیم:

$$cF L_{jkl} = 2\mu F L_{jkl} + 2F \mu' C_{jkl}. \quad (20)$$

با در نظر گرفتن رابطه (۱۶)، رابطه (۲۰) به معادله (۲۱) تبدیل می‌شود:

$$(2\mu' + 2\mu^2 F - c\mu F) C_{jkl} = 0. \quad (21)$$

از (۲۱) حکم به دست می‌آید.

نتیجه. هر متریک استرچ ۲-بعدی کامل و غیرریمانی یک متریک لندزبرگی است.

اثبات. طبق فرض، رابطه (۲۱) به  $\mu' + \mu^2 F = 0$  تحلیل می‌یابد. فرض کنید  $p$  یک نقطه روی  $M$ ،  $T_p M$  و  $\sigma: (-\infty, +\infty) \rightarrow M$  ژئودزیک گذرنده از نقطه  $p$  با سرعت واحد باشد به طوری که  $\frac{d\sigma}{dt}(0) = y$  بر روی ژئودزیک  $\sigma$  معادله به دست آمده به صورت  $\mu' + \mu^2 = 0$  نوشته می‌شود. جواب چنین معادله دیفرانسیلی به صورت (۲۲) است،

$$\mu(t) = \frac{\mu(0)}{t\mu(0)+1}. \quad (22)$$

اگر  $t \rightarrow \pm\infty$  آن‌گاه  $\mu(t) = 0$ . با قرار دادن آن در (۱۶) به راحتی نتیجه می‌گیریم که  $F$  یک متریک لندزبرگی است.

### منابع

1. Akbarzadeh H. "Les espaces de Finsler et certaines de leurs généralisation." Ann. Sci. Ecole Norm. Sup. (Ann. Sci. Ecole Norm Sup.), 1963: 1-79.

2. Berwald L. "Über Parallelübertragung in Räumen mit allgemeiner Massbestimmung." Jber. Deutsch. Math.-Verein. 34, 1926: 213-220.
3. Berwald L. "Untersuchung der Krümmung allgemeiner metrischer Räume auf Grund des in ihnen herrschenden Parallelismus." Math. Z., 1926: 40-73.
4. Berwald L. "On Cartan and Finsler Geometries, III, Two dimensional Finsler spaces with rectilinear extremal." Ann. of Math., 1941: 84-122.
5. Kobayashi S. and Nomizu K. Foundations of Differential Geometry. Wiley, 1969.
6. Matsomoto M. "An improvement proof of Numata and Shibata's theorem on Finsler spaces of scalar curvature." Publ. Math. Debrecen 64, 2004: 489-500.
7. Matsumoto M. and Shibata C. "On semi-C-reducibility, T-tensor and S4-likeness of Finsler spaces." J. Math. Kyoto Univ., 1979: 301-314.
8. Matsumoto M. "On Finsler spaces with Randers metric and special forms of important tensors, J. Math. Kyoto Univ." 1974: 477-498.
9. Najafi B., Saberali S. "On a class of isotropic mean Landsberg metrics,." Differential Geometry - Dynamical Systems, 2016: 72-80.
10. Shen Z. Differential Geometry of Spray and Finsler Spaces. Kluwer Academic, 2010.
11. Shen Z. "On R-quadratic Finsler spaces." Publ. Math. Debrecen, 2001: 263-274.
12. Tayebi A., Sadeghi H. "On Cartan torsion of Finsler metrics." Publ. math. Debrecen, 2013: 461-471.
13. Wu B. "A global rigidity theorem for weakly Landsberg manifolds." Sci. China Ser. A, 2007: 609-614.